

اعتصاب

«داربست بندها»

موفقیت ها،

درس ها،

خیزهای نو

////////////////////

کارگران ضد سرمایه داری / مرداد ۱۴۰۱

مبارزات کارگران پیمانی نفت از روز شروع در چند سال پیش تا حال، در تاریکی زار بن بست ها، فروماندگی ها و سرگردانیهای مستولی بر جنبش کارگری ایران، برگي پردرس، امیدزا در کارنامه این جنبش بوده است. ما پیش تر به مناسبت های مختلف و به دفعات در این گذر بحث کرده ایم، همزنجیران ما در این حوزه مدت ها است نوعی کارزار رو به گسترش، غیرمختومه، متحد، دارای بارقه تهاجمی، با تاکتیک تعمیق شناخت موقعیت دشمن و خویش، هجوم از سنگر قدرت، عقب نشینی کم هزینه به گاه ضعف، وفادار به مطالبات آسیب پذیرترین لایه طبقه خود، دفاع متفق از خواستههای مجزا، همسوسازی انتظارات، حمایت از اعتصابات و شورش های سایر همزنجیران را دستور کار کرده و پیش برده اند. شاخصهائی که هر کدام مهمند و در شرائط روز جنبش کارگری گامهائی به جلو هستند. شاید بتوان گفت که در طول این مدت آتش اعتصاب ولو منقطع اما زنجیروار در این قلمرو مشتعل بوده است، بازگشت به کار کارگران در هیچ نقطه ای به معنای ختم اعتصاب نبوده و حالت یک آتش بس اجباری، اضطراری داشته است، هر عده کارگران در هر نقطه مشوق همسنگران نقط دیگر برای شروع مبارزه و آماده حمایت از اعتراض آنان بوده اند. منطقه ای در فاصله میان خوزستان تا بندرعباس میدان کارزارهای پراکنده، ولی همصدا شده است، هر بخش کارگران به محض احساس توانانی اعتصاب را از سر گرفته اند، پیروزی ها را سنگ بنای تدارک برای خیز بعدی پیکار کرده اند، در صورت یقین به ضعف خود و قدرت تعرض دشمن، دست به عقب نشینی زده اند، اما دست به کار تمديد قوا برای تداوم پیکار شده اند. همه اینها ارزنده و درس آموزند. کارزار اخیر همزمان «داربست بند» در هفته های اول و دوم تیر نیز به



سهم خود، درس های چشمگیری برای تمامی کارگران ایران و دنیا داشته است. این درسها به اختصار عبارتند از:

۱- اعتصاب به طور همزمان در ۱۱ پتروشیمی و بیش از ۲۰ شرکت پیمانکاری، با حضور فعال ۳۰۰۰ کارگر «داربست بند» آغاز گردید. نقل این خبر ساده است اما رخداد، مهم و شوراآفرین است. در جهنم سرمایه داری ایران که هر جنب و جوش اعتراضی هر کارگر می تواند سال ها زندان، شکنجه و مجازات در پی آرد، ۳۰۰۰ کارگر، همصدا، همسنگر، همرمز در ۳۰ واحد حساس صنعتی بدون احساس هیچ نیاز به داشتن هیچ «حق اعتصاب» عاریه بورژوازی، متحد و هم پیمان دست از کار می کشند، مطالبات خود را در مقابل سرمایه داران و دولت درنده سرمایه قرار می دهند و خواستار تحقق فوری آنها می گردند. محصور بودن مبارزات کارگران در چاردیواری تنگ مراکز کار و عدم پیوند شورائی و سرمایه ستیز توده های کارگر یکی از بدترین و فاجعه بارترین پاشنه آشیل های روز جنبش کارگری ایران است. اقدام کارگران پیمانی نفت در طول این سالها تازیه ای بر این پاشنه آشیل بوده و اعتصاب اخیر «داربست بندان» درس پردرخششی برای همه کارگران خواهد بود.

۲- اعتصاب در شرائطی به وقوع پیوست که سندیکالیستهای مزدور رژیم، به طور مشخص مافیای موسوم به «کمپین» و باند «گیلانی»، هیچ شانسی برای بدیل آفرینی فریبکارانه ضد کارگری در مقابل خیزش اعتصابی کارگران نداشتند، این جماعت از وحشت آنکه پیش کشیدن هر بدیل دروغین توطئه آمیز، مثلا جنجال فرمایشی حول یک خواست محقر، منجر به طغیان کارگران در شرائط گرانی ها، برای افزایش مزد شود، مجبور به سکوت بودند. توجه دقیق همزمان «داربست بند» به این وضعیت و بهره گیری سنجیده از پاشنه آشیل سندیکالیستهای مزدور برای تعیین وقت اعتصاب یکی از نکات مهم و قابل تحسین برنامه ریزی آنان بود.

۳- پافشاری کارگران بر تحقق خواسته های خود در مورد همه کارگران در حال اعتصاب، در همه مراکز کار و ادامه پیکار تا حصول سطح قابل توجهی از این خواست ها نیز نکته شایان اهمیت دیگر این رخداد است.

۴- کارگران تصریح نموده و تأکید کرده اند که مبارزه ادامه دارد. حصول خواستها مطلقا متضمن پایان کارزار نیست، اعلام داشته اند که «همچنان خواستار افزایش مزدهایمان هستیم. خواهان تسهیلات لازم معیشتی و رعایت کامل ایمنی محیط کارمان هستیم. خواستار غذای با کیفیت و خوابگاههای قابل زندگی هستیم. خواستار استفاده از امکانات درمانی رایگان در نفت و ارتقای خدمات درمانی

هستیم، خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و دانمی شدن قراردادهای هستیم، اینها خواست های همه کارگران نفت است»

تأکید و پافشاری مؤکد کارگران پیمانی نفت بر غیرمختمومه بودن اعتصاب و ادامه پیکار نکته ای بسیار اساسی و درسی آموزنده و مهم برای کل توده های کارگر است. یک سنت منحنی، ارتجاعی و ضد کارگری که سرمایه بر شعور کارگران مسلط ساخته و جنبش کارگری را به گنداب استیصال رانده این است که کارگران با عزیمت از همیشه کارگر ماندن خود باور نموده اند که فقط وقتی تیغ تیز مرگ ناشی از گرسنگی بر گلوی آنان و فرزندانشان فشار آرد، دست به اعتراض زنند و خواهان چند تومان مزد افزون تر برای ادامه حیات و استمرار بردگی مزدی گردند!! خیز کارگران پیمانی نفت و پیام اعتصاب اخیر «داربست بندان» ولو نهفته، ضمنی، فاقد رادیکالیسم کافی آگاهانه و پرورده ضد کار مزدی، به هر حال حامل این پیام است که خود را همیشه، در همه حال در سنگر کارزار علیه سرمایه، سرمایه داران و دولت سرمایه داری می بینند، هر پیروزی را پله ای برای عروج به پیروزی های بعدی تلقی می کنند، جنگ با سرمایه داری و استثمار سرمایه را تعطیل ناپذیر می بینند. پیامی که مهم، شایسته تقدیر و قابل آموختن است.

۵ - و آخر اما نه کمتر از نکات بالا، اعلام حمایت این همزنجیران از اعتصاب کارگران رسمی و دائمی نفت است، آنان همراه با حمایت خویش درس بسیار مهمی هم به این بخش از طبقه خود داده اند. این درس که آنان نیز یاد بگیرند به حمایت از مبارزات سایر همزنجیران برخیزند.

اینها نقاط قوت و درسهای آموختنی اعتصاب اخیر «داربست بندها» است. ما ضمن ارجگذاری به مبارزات آنان و تأکید بر اهمیت این درس ها در آرزوی همپیوندی و همجوشی بیشتر همه کارگران پیمانی نفت با کل جنبش کارگری ایران، جهتگیری هر چه رادیکال تر، سرمایه ستیزتر و شورائی تر کارزار آنان هستیم.